

# لشکرکشی بهمئی ۱۳۱۶ شمسی

سرکوب و اسکان دو رکن عمده خط مشی دولت رضا شاه در قبال عشایر ایران بود: به طور کلی نیمه نخست دوران حکومت رضا شاه بیشتر به سرکوب گذشت که متضمن لشکرکشی های گسترده به قصبی نقاط کشور بود. نیمه دوم این دوره نیز صرف بهره برداری از حاصل نیمه اول، یعنی صرف متلاشی ساختن ساختار سیاسی و اقتصادی ایلات و یکجانشین ساختن آنها شد.

طایفه بهمئی که از نقطه نظر تقسیمات ایلی بخشی از ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد به شمار می آید بنا به عللی چون موقعیت جغرافیایی تا حدودی از تغییر و تحولات جاری و دگرگونی های حاصله در نظام عشایری منطقه - و بویژه تاثیر ناشی از عملیات نظامی سال های ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۸ فارس - مصون ماند. لهذا هنگامی که در خلال سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ بهمئی ها هر دو وجه نظام جدید را یعنی استقرار نیروهای دولتی در منطقه و اعمال سیاست اسکان را با هم تجربه کردند، واکنشی که نشان دادند، تند و شدید بود. برخوردهایی که میان عشایر و نیروهای دولتی در ۱۳۱۶ در بهمئی روی داد، یکی از معدود لشکرکشی های مهم و گسترده دولت در نیمه دوم دوران رضا شاه است.

در مورد این واقعه نیز همانند بسیاری از دیگر وقایع مشابه آن ایام اطلاعات چندینی در دست نیست. از این رو مجموعه اسنادی که اینک ارائه می شود می تواند تا حدودی این کستی را برطرف سازد. اسناد مورد نظر مجموعه ای است مشتمل بر چهارده گزارش تلگرافی که در فصله خرداد تا اسفند ۱۳۱۶ از اهواز و رامهرمز به دفتر ریست و زرا ارسال شده است.<sup>۱</sup>

۵

طایفه بهمئی که در اصل یکی از طوایف ایلی لیراوی محسوب می شد، در مرز کهگیلویه و بختیاری توطن دارد و جمعیت آن در زمان مورد بحث حدود ۳۰۰۰ خانوار ذکر شده است<sup>۲</sup> که به تیره های مختلف تقسیم شده بودند. اگرچه بهمئی ها در آن زمان از رهبری عشایری منسجم برخوردار نبودند ولی می توان گفت که خدا کرم خان که ز تیره علاء الدینی بود، تقریباً چهره شاخص آنها به شمار می رفت.

توسعه نفوذ و اقتدار نیروهای دولتی اگرچه از حمایت برخی از نیروهای ایلی منطقه برخوردار بود، ولی از آنجایی که رفتارشان «... با عشایر

مستحسن و خوب نبود یعنی آورده به بی ناموسی گشته تا این که بالاخره مرده را به هیجان و شورش...» و «دشمنده، شورشهای پراکنده گسترش یافت. حکومت نظامی بهبهان خدا کرم خان را حضار کرد هنگامی که وی به شهر درآمد بازداشت شد. خدا کرم خان پس از هشت ماه از زندان گریخت و خود را به ارتفاعات بهمئی رساند. از این مرحله به بعد او و فرزندش رسماً سر از اضعت نیروهای دولتی برنافته ره باغبگری در پیش گرفتند.

سرهنگ ثقتی<sup>۳</sup> حاکم نظامی بهبهان نیرویی مرکب از واحدهای ارتش و ژاندارمری و واحدهای چریک محلی گرد آورده و به راهنمایی خدا رحم رقیب محلی خدا کرم خان به تعقیب شورش ها اقدام می کند. مجموعه اسناد ذیل سیر وقایع را از این مرحله در برمی گیرد. بر اساس مفاد سند شماره ۱ نیروهای دولتی در اوایل خرداد ۱۳۱۶ قلعه علا را که مقر افراد خدا کرم خان بود بدون زد خورد تصرف کرده و به «... جمع آوری سلاحه و سایر اصلاحات امور طوایف بهمئی...» مشغول می شوند. منظور از «سایر اصلاحات» همان اعمال جبراً امیر سیاست اسکان بود که حدود چهار ماه به طول انجامید و با چنان شدت عمل «... تجاوزات از طرف پنازهای نامورین نسبت به مرده...» تود شد که «... موجب گردید که بهمئی مجدداً ضعیف کند و کار تجوز به جایی کشید که خدا رحم مطیع از کرده خویش ناده شد و محارمه با خدا کرم مقدمه یک دستبرد شدید و قضعی را فراهم ساخت...»<sup>۴</sup>

در ۲۷ شهریور ۱۳۱۶ گزارش شد که «اشرار بهمئی بر قلعه علا که محل استقرار نیروهای دولتی بود هجوم آورده و در برخوردی که پیش آمد ستون مختاری کشته و تعدادی از دیگر نظامیان مجروح یا به اسارت درآمدند (سند ۳). روز بعد نیز گزارش شد که در ادامه درگیری سرهنگ ثقتی و ستون یک نیکوزم مجروح شده. ردوی نظامی در محاصره قرار دارد. (سند ۴) در واقع سرهنگ ثقتی و تعدادی از نظامیان کشته و مابقی افراد متوری می شوند.

فردی آن روز نیروهایی تحت فرماندهی سرهنگ مصطفی مختاری و سرهنگ زره پوش عازم بهمئی شدند. در اسناد این مجموعه حرکت نیرویی از اهواز - از طریق رامهرمز - به سمت قلعه علا (اسناد ۵ و ۶) و نیرویی از طرف بهبهان

کاوه سیا

(سند ۷) گزارش شده است. در ادامه پیوسته ستون غزومی از هواز استقرار آن در هپرو که در حوالی قلعه علا قرار داشت گزارش شده است (سند ۸). یکی از مهمترین اسناد این بخش سند شماره ۱۰ است که سوی اشاره به گروه‌های مختلف بهمنی و روسی آنها، نحوه استقرارشان در حوض خوش قلعه علا نیز بیان کرده است.

چندچه از دیگر اسناد مجسمه برمی آید. مراحل بعدی شبیهات نظامی بدون دسترسی چندانی نجام می‌گیرد؛ نیروهای دولتی از هپرو به سمت میدان پستروی کرده و پس از یک روز و خوردن مختصر در قلعه میدان مستقر شدند. چند رجه نیز از راجع مستفاده کرده و هپرو را کدش تسبی می‌شود (اسناد ۱۱ و ۱۲). وی حد کرده‌اند سرپرست دیگری در پیش دست، وی پس از چشیده زده و خوردن که در حلال آن پدر و پسر و همسرش را دست داد. تحت محاصره قرار گرفته در وسط بصرن همان سال همسره با برادرش یوسفی تسبی شد. (سند ۱۵) و چندی بعد هنگامی که همسره با تعدادی نظامی به هواز اعزام شد در پیش راه به عنوان آن که قصد فرار داشته است، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

سند موجود از این ماجرا، مراحل بعدی کار را روشن نمی‌کند؛ مثلاً در این سند به موضوع دستگیری و مجازات حدود ۶۴ نفر از روس و محکومین بهمنی و چگونگی مجازات مزبور اشاره‌ای ندارد. با در گزارش برخوردهایی که به کشته شدن سرهنگ ثقفی منجر شد (اسند ۳ و ۴) مسأله فاصله زمانی میان کشته شدن ستوان مختاری و در محاصره قرار گرفتن سرهنگ ثقفی و آنچه به عنوان بی‌توجهی و بی‌احتیاطی سرهنگ ثقفی مطرح شده است<sup>۱۱</sup> روشن نمی‌شود. به این حال همین گزارش‌های معدود نیز در موقوف شدن روایات موجود از مجرای بهمنی مفید است.

### ۱ وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف،

۱۶/۳/۹

گزارش ۱۶۳۹ رامهرمز: طبق اطلاع واصله خدا کریم بهمنی قلعه علا را تخبیه، با چند نفر فراری شده، عده که به تعاقب آنها رفته بودند قلعه را تصرف و مشغول جمع‌آوری اسلحه و سایر اصلاحات امور ضایف بهمنی هستند. صحت‌پور.



### ۲ وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف،

۱۳۱۶/۳/۱۱

گزارش ۱۰ خرداد اهواز: دیشب ساعت هشت تیسر سرتیپ زنده رئیس هیئت بازرسی اسکان ایلات بختیری و بهمنی وارد شدند. پرویز

### ۳ وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف،

کشف رمز

گزارش ۳۱۶/۶/۲۷ [۱] رامهرمز: اشار بهمنی در قلعه علا به اردوی دولتی حمله نموده ستون مختار مقتول و چند نفر امنیه مجروح و چند نفر دستگیر نمودند. ۱۲ صحت‌پور. [مهر] وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر

### ۴ وزارت پست و تلگراف و تلفن،

کشف رمز رامهرمز، گزارش ۱۶/۶/۲۸ رامهرمز: طبق اطلاع از قرار معلوم سرهنگ ثقفی و ستوان یک نیکورزم تیر خورده و اردو در محاصره می‌باشد. صحت‌پور. [مهر] وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر

### ۵ وزارت پست و تلگراف و تلفن

کشف رمز اهواز. گزارش ۱۶/۶/۲۹ اهواز: رئیس امنیه امروز ساعت یازده به سمت رامهرمز و قلعه علا حرکت نمودند. پرویز [مهر] وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر.

### ۶ وزارت پست و تلگراف و تلفن

کشف رمز اهواز. گزارش شب ۱۶/۶/۲۸ اهواز دنباله گزارش رامهرمز: ساعت ۱۱ عصر اردو برای سرکوبی شرار بهمنی ۱۳ با توپوبیل سمت رامهرمز عزیمت نمودند. پرویز. [مهر] وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر

### ۷ وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره

کابینه، شعبه مرموزات، کشف رمز اهواز

گزارش بهمنان ۱۶/۱۷/۳ رئیس امنیه ۱۶ نفر برای گذشتن پست در تنگ تکاب با خود برده از قرار اطلاع که به آنها رسیده عده‌ای به همان حدود حمله کرده است. داورپناه نسبت به قسمت اخیر اعتماد ندارد. پرویز رئیس خوزستان [در حاشیه آمده است] داورپناه رئیس بهبهان است.

### ۸ وزارت پست و تلگراف و تلفن،

اداره کابینه، شعبه مرموزات، کشف رمز اهواز

گزارش ۴ مهر، ۱۶، اهواز: رامهرمز گزارش می‌دهد دو فروند طیاره در هوای شهر پدیدار و پس از دو مرتبه گردش بالای شهر به طرف اهواز رهسپار شدند. از دیروز کنون اطلاعی از اردو نرسیده. اشخاص مخصوص برای کسب خیر اعزاء شده است. استحضاراً اخبار اردو بوسیله طیارات لشکری رسد. پرویز

وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر  
وزارت شعبه مرموزات، کشف رمز رامهرمز  
گزارش رامهرمز، ۱۶/۷/۷: اردوی اعزامی  
که به رامهرمز آمده بودند، امروز ساعت شش به  
هیرو حرکت کردند. پرویز. [مهرا] وزارت پست  
و تلگراف و تلفن، اداره دفتر

وزارت پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر،  
شعبه مرموزات، کشف رمز اهواز  
گزارش ۱۶/۷/۵ رامهرمز: اشرار بهمش  
نزدیک اردو در مراکز ذیل تمرکز یافته اند: خدا  
کرم و یوسف با خدا کرم رئیس طایفه میراحمدی  
در قلعه علا. طایفه خواجه میری و محمد موسائی  
به ریاست فرج الله و کریم پسر و بردر زاده خدا  
کرم در چهار ده هزارمتری دالان او نیم فرسنگی  
آب بید. علی یاز و خدا بخش کد خدای آن  
طوایف. خواجه میری و محمدی به ریاست ولی  
محمد پسران محمد کاظم کد خدی ضایفه  
محمدی در رود تلخ و کوه ابوالفار. رود تلخ و  
دالان نیم فرسنگ است. طایفه شیخ قعنه منبی و  
کوه ابوالفارل موسوم به قلعه نجف پنج فرسنگی  
دالان به ریاست عسگر علاءالدین غنی داد پسر  
محمد علی و علی داد پسر لطف الله با غنم و  
احشام طوایف مزبور از آخر چهار دهه در رود تلخ  
در وسط کوه سکونت دارند. طبق اطلاع کتون  
با اردو تصادفی نشده است. پرویز [مهرا] وزارت  
پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر.

وزارت پست و تلگراف و تلفن، رونوشت  
گزارش رمز ۱۶/۸/۸ اهواز: آس خورشید  
گزارش می دهد صبح ۲۹ مهر ماه اردو ز هیرو به  
صیدان حرکت در راه با چند نفر بهمش که در  
سنگر بوده اند زد و خورد نموده بهمش را فرار و  
اردو به قلعه صیدان وارد شدند. از هوز گزارشاً  
معروض می گردد خدا رحم که از سر کردگان  
اشرار بود تسلیه شده است. پرویز [در حاشیه آمده  
است] رونوشت برابر اصل است. [مهرا] وزارت  
پست و تلگراف و تلفن، اداره دفتر

وزارت پست و تلگراف و تلفن، رونوشت  
گزارش ۲ آبان آل خورشید: خدا رحم به اردو  
آمده و منتزعه شده سه روزه کلیه صایفه خود را

حاضر و تسلیم نماید.  
هرمز.

[در حاشیه آمده است] رونوشت برابر با اصل  
است. [مهرا] وزارت پست و تلگراف و تلفن،  
اداره دفتر

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تلگراف،  
رمز اهواز  
گزارش ۱۶/۸/۱۸: به مناسبت پیشرفت اردو  
اشرار متوحش جز خدا کرم و معدودی، کلیه تسلیم  
شده اند. شماره ۱۲۵۰۰ پستل  
[در حاشیه آمده است] رونوشت برابر با اصل  
است. [مهرا] وزارت پست و تلگراف و تلفن،  
اداره دفتر

وزارت پست و تلگراف و تلفن، رونوشت  
گزارش آل خورشید مورخه ۱۶/۹/۲  
خدا کرم محصره زن خود را کشته، پدر و  
پسرش هم در جنگ کشته شده اند. امید است  
خدا کرم هم امروز دستگیر شود. پستل  
[در حاشیه آمده است] رونوشت برابر با اصل  
است. [مهرا] وزارت پست و تلگراف و تلفن،  
اداره دفتر

وزارت پست و تلگراف و تلفن،  
رونوشت کشف گزارش رامهرمز رسیده از  
اهواز ۱۳۱۶/۱۱/۱۷: پستل رامهرمز گزارش  
می دهد: خدا کرم و برادرش یوسفعلی خود را  
تسلیم اردوی اعزامی نمودند. شماره ۱۷۱۶/۱.  
پستل اهواز  
[در حاشیه آمده است] رونوشت برابر با اصل  
است. [مهرا] وزارت پست و تلگراف و تلفن،  
اداره دفتر

زیرنویس:

۱- تنها اطلاعات اساسی - ولو مختصر - ما در  
این باب اشارات دو منبع ذیل است: محمود  
باور، کوه گیلویه و ایلات آن، گچساران

- فروردین ۱۳۲۴، شرکت سهامی چاپ،  
ص ص ۱۶-۴۷۵؛ منوچهر ضرابی،  
ضوایف کنگیلویه، فرهنگ ایران زمین، ج ۹،  
چ ۲، تهران، ۱۳۵۲، ص ص ۹۸-۲۹۷.

۲- این مجموعه بعنوان بخشی از اسناد نخست  
وزیری تحت شماره ۱۱۲۰۰۹ در سازمان  
اسناد منی ایران نگهداری می شود.

۳- مسعود کیهان، جغرافیای مفصل ایران، ج ۲،  
سیاسی، تهران، مطبعه مجلس، ۱۳۱۱، ص  
۸۱.

۴- مانند افراد و تیره های تابع خدا رحم که از  
سران تیره احمدی بود.

۵- باور، پیشین، ص ۷۵

۶- سرهنگ عبدالحمین ثقفی (۱۳۱۶-  
۱۲۶۵) از فرمانراندارمیری دوستی که پس  
از تشکیل قشون متحدالشکل (۱۳۰۱) با  
درجه ستون یکمی به خدمت ارتش درآمد. در  
بسیاری از لشکرکشی های دولتی بر ضد عشایر  
ایران (ترکمن صحرا ۱۳۰۵-۱۳۰۴، لرستان  
۱۳۰۸-۱۳۰۶، فارس ۱۳۰۹-۱۳۰۸ و  
کردستان ۱۳۱۲-۱۳۱۰) شرکت داشت و  
در مهر ۱۳۱۵ به فرمانداری نظامی بهبهان  
منتصب شد. به نقل از: تاریخ جاویه، ج ۲،  
چاپخانه ارتش، بی نا، بی تا، ص ص ۲۶۶-  
۲۶۵

۱- ضرابی، پیشین، ص ۲۹۷

۲- ضرابی، همانجا

۳- باور، پیشین، ص ص ۷۶-۷۵

۴- ضرابی، پیشین، ص ۲۹۷

۵- باور، پیشین، ص ۷۵

۶- این گزارش را دفتر ریاست وزرا در  
۱۳۱۶/۶/۲۸ طی نامه شماره ۹۵۲۲ به دفتر  
مخصوص شنشاهی و نامه شماره ۹۵۶۵ به  
وزارت جنگ ارسال داشت.

۷- در اصل: بهسه

۸- احتمالاً منظور روستای دلی است.

۹- احتیاطاً ضبط صحیح این نام ابوالفارس  
است. ر. ک. ضرابی، پیشین، ص ۲۹۱.  
اصولاً از بسیاری از اسامی جغرافیایی این  
سامان، ضبط های گونه گونی در دست است  
مانند قعنه علا که قلعه اعلا نیز آمده است یا  
قعنه منبی که ممبی هم نوشته شده است.  
نهذا در سومی مندرج در اسناد تغییر داده  
نشده.







وزارت پست و تلگراف و تلفن

کتابخانه

شماره ..... مورخه ..... وزارت پست و تلگراف و تلفن که اصل آن شماره ..... ثبت شد  
اداره .....

شماره ۳۷، ۶۱، ۳۱۶، ۱۴۴۱

این کتاب در قفسه علاءالدین در کتابخانه شماره ۳۷  
مجلس شورای اسلامی تهران در قفسه شماره ۶۱  
مجلس شورای اسلامی تهران در قفسه شماره ۳۱۶  
مجلس شورای اسلامی تهران در قفسه شماره ۱۴۴۱



کتابخانه  
۱۴۴۱  
۳۱۶





وزارت پست و تلگراف و تلفن

شماره سند: ۱۰۰۰ / شماره پرونده: ۱۰۰۰ / شماره وزارت: ۱۰۰۰ / شماره اداره: ۱۰۰۰ / ثبت شد

فدا کرم رنگرز مصره زن خود را کشته  
پدرش هم در جنگ کشته شده  
پسرت فدا کرم هم از درد گریز نکرد -  
پسر

روایت از بارها صورت

